

بهای پنهان ۴ ساعت فراغت

داده‌های تازه گزارش گذران وقت مرکز آمار ایران از چهار ساعت زمان آزاد شهروندان خبر می‌دهد؛ اما این نکته بیش از آنکه از بهبود رفاه حکایت کند، می‌تواند نشانه افت مشارکت در بازار کار و کوچک شدن پایگاه بیمه‌پردازان کشور باشد

دریافت کنندگان خدمات را افزایش می‌دهد.

فرسایش سرمایه انسانی

یکی از بخش‌های قابل توجه این گزارش، وضعیت مشارکت اقتصادی زنان است؛ جایی که میانگین ۴۱ دقیقه کار پولی روزانه برای زنان شهری، تصویری نگران‌کننده از فاصله میان ظرفیت انسانی و حضور واقعی آنان در بازار کار ارائه می‌دهد. امروز بیش از ۵۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ایران را زنان تشکیل می‌دهند. این موضوع نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری گسترده کشور برای توسعه آموزش و افزایش سرمایه انسانی است. اما زمانی که بخش مهمی از این نیروی متخصص به دلیل موانع ساختاری مانند نبود خدمات مراقبتی کافی برای فرزندان، دستمزدهای نابرابر یا دشواری‌های حضور در بازار کار رسمی از چرخه اشتغال خارج می‌شود، در واقع بخشی از این سرمایه انسانی بلااستفاده باقی می‌ماند. خروج زنان تحصیل‌کرده از بازار کار، تنها یک مسئله اجتماعی نیست، بلکه آثار اقتصادی مستقیمی بر نظام‌های بیمه‌ای دارد. صندوق‌های بازنشستگی از دریافت حق بیمه‌های پایدار و باکیفیت این گروه، که معمولاً به دلیل سطح تخصص و تحصیلات می‌تواند درآمد‌های بالاتری داشته باشد، محروم می‌شوند. کاهش مشارکت اقتصادی زنان، بنا براین به معنای کاهش ظرفیت‌های درآمدی آینده نظام تأمین اجتماعی نیز خواهد بود. از سوی دیگر، ساعات پایین کار پولی جوانان شهری نیز نشانه‌ای از دشواری ورود نسل جدید به بازار کار است. وقتی هزینه‌های رفت‌وآمد، استهلاک حضور در محل کار و فشارهای اقتصادی یا درآمدهای پیشنهادی همخوانی ندارد، بخشی از افراد ترجیح می‌دهند از بازار رسمی فاصله بگیرند. این خروج، در ظاهر به شکل افزایش زمان آزاد دیده می‌شود، اما در واقع می‌تواند نشانه کاهش امید به بازدهی اقتصادی اشتغال باشد. در چنین شرایطی، زمان آزاد شهروندان بیش از آنکه محصول انتخاب آزادانه باشد، نتیجه سازگاری اجباری با محدودیت‌های اقتصادی است. ذهنی که در ساعات غیرکاری همچنان درگیر محاسبه اجاره‌بها، هزینه درمان، تورم و تأمین مخارج روزمره است، عملاً از فشار کار رها نشده است. اضطراب اقتصادی، مرز میان زمان کار و زمان استراحت را از بین می‌برد و هزینه‌های پنهان آن در آینده در قالب افزایش آسیب‌های روانی، کاهش بهره‌وری و رشد هزینه‌های درمانی نمایان خواهد شد. بر این اساس، سیاست‌گذاران اقتصادی و رفاهی نباید افزایش زمان فراغت را به تنهایی نشانه بهبود شرایط زندگی تلقی کنند. سید زمانی جامعه امروز ایران بیش از آنکه بر پایه انتخاب و رفاه شکل گرفته باشد، تحت تأثیر ضرورت‌های اقتصادی و فشارهای معیشتی تنظیم شده است. بازسازی این وضعیت نیازمند اصلاحات همزمان در بازار کار، نظام دستمزد، توسعه اشتغال رسمی، تقویت پوشش‌های بیمه‌ای و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی مانند خدمات مراقبتی است. در غیر این صورت، زمان‌های آزاد انباشته‌شده در خانه‌ها، نه به فرصتی برای رشد فردی و اجتماعی، بلکه به نشانه‌ای از فرسایش تدریجی سرمایه انسانی و تضعیف پایه‌های اقتصادی نظام تأمین اجتماعی تبدیل خواهد شد.



دستمزدی برای مردان ۴ ساعت و ۵۵ دقیقه و برای زنان تنها ۴۱ دقیقه در شبانه‌روز ثبت شده است. این رقم در نگاه نخست ممکن است نشانه کاهش فشار کاری و افزایش فرصت استراحت تلقی شود، اما در بستر اقتصاد ایران معنای متفاوتی دارد. کاهش ساعات کار پولی رسمی، در شرایطی که دستمزدهای موجود توان تأمین هزینه‌های زندگی را ندارند، الزاماً به معنای آسایش بیشتر نیست، بلکه می‌تواند نشانه انتقال کار از بخش رسمی و قابل ثبت به بخش‌های غیررسمی اقتصاد باشد. بخشی از نیروی کار برای جبران شکاف میان درآمد و هزینه‌های زندگی، زمان خود را به فعالیت‌هایی اختصاص می‌دهد که در آمار رسمی اشتغال ثبت نمی‌شوند؛ از مشاغل غیررسمی گرفته تا فعالیت‌های پلتفرمی، مسافرشکی اینترنتی یا خرده‌فروشی‌های کوچک. به این ترتیب، کاهش زمان ثبت‌شده کار پولی، در واقع می‌تواند به معنای جابه‌جایی شکل کار باشد، نه کاهش نیاز افراد به درآمد. پیامد این تحول برای نظام تأمین اجتماعی بسیار مهم است. هرچه سهم اشتغال رسمی کاهش یابد و افراد بیشتری به سمت فعالیت‌های خارج از پوشش بیمه‌ای حرکت کنند، تعداد بیمه‌پردازان فعال کاهش می‌یابد. این روند در بلندمدت، تعادل منابع و مصارف صندوق‌های بیمه‌ای را با چالش جدی مواجه خواهد کرد؛ زیرا ورودی حق بیمه کاهش می‌یابد، در حالی که نیاز جامعه به خدمات درمانی و حمایتی همچنان روبه‌افزایش است. صندوق‌های بازنشستگی برای پایداری خود به جریان مستمر حق بیمه‌های پرداختی نیاز دارند. کاهش اشتغال رسمی و گسترش فعالیت‌های غیررسمی، این جریان مالی را تضعیف می‌کند و فاصله میان تعداد بیمه‌پردازان و

مصرف منفعلانه رسانه‌ای در خانه می‌شود. بیش از ۹۰ درصد این زمان چهارساعته به تماشای تلویزیون و استفاده از رسانه‌های جمعی اختصاص دارد؛ در حالی که سهم فعالیت‌هایی مانند ورزش، حضور در رویدادهای فرهنگی و هنری یا فعالیت‌های جمعی، بسیار محدود و نزدیک به صفر است. این تفاوت میان «کمیت زمان آزاد» و «کیفیت فراغت» نکته‌ای کلیدی در تحلیل شرایط اقتصادی امروز ایران است. در بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته، افزایش زمان غیرکاری می‌تواند نتیجه افزایش بهره‌وری، توسعه فناوری، کاهش ساعات کار اجباری و بهبود نظام رفاهی باشد؛ اما در شرایط اقتصادی ایران، زمان آزاد بیشتر لزوماً محصول انتخاب آگاهانه شهروندان نیست، بلکه در بسیاری موارد پیامد کاهش فرصت‌های اقتصادی و محدود شدن امکان مصرف فرهنگی و اجتماعی است. تورم بالا و کاهش قدرت خرید، بسیاری از کالاهای و خدمات مرتبط با فراغت باکیفیت را از سبد خانوارها حذف کرده است. سفرهای کوتاه‌مدت، ورزش، سینما، تئاتر و دیگر فعالیت‌های فرهنگی، برای بخش‌هایی از طبقه متوسط و گروه‌های کم‌درآمد به هزینه‌هایی تبدیل شده‌اند که امکان استمرار آن‌ها کاهش یافته است. در نتیجه، فراغت شهری بیش از آنکه فرصتی برای بازسازی روانی و ارتقای سرمایه انسانی باشد، به زمانی خانگی و کم‌هزینه تبدیل شده است.

عقب‌نشینی کار رسمی

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های موجود در گزارش مرکز آمار، سهم پایین «کار پولی» در سید زمانی شهروندان شهری است. بر اساس داده‌های منتشرشده، میانگین زمان کار

گزارش تازه مرکز آمار ایران از «گذران وقت در مناطق شهری کشور» تصویری ظاهرآ آرام از زندگی روزمره شهروندان ارائه می‌دهد؛ تصویری که در نگاه نخست، از افزایش زمان آزاد و کاهش ساعات کار پولی حکایت دارد. اما بررسی دقیق‌تر داده‌ها نشان می‌دهد این تغییر نه نشانه ارتقای رفاه، بلکه بازتابی از فشارهای اقتصادی و تغییر اجباری الگوی زیست‌نیروی کار است. در اقتصادی که تورم، هزینه‌های معیشت و ناتوانی دستمزدها در پاسخگویی به نیازهای خانوار، تصمیم‌های اقتصادی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است، کاهش زمان کار رسمی و افزایش ساعات فراغت خانگی را نمی‌توان به معنای بهبود کیفیت زندگی تعبیر کرد. این آمار در لایه‌ای عمیق‌تر، از کاهش پیوند نیروی کار با بازار رسمی، کوچک شدن پایه بیمه‌پردازی و افزایش فشار بر صندوق‌های تأمین اجتماعی حکایت دارد.

فراغت بیشتر، رفاه کمتر

گزارش مرکز آمار ایران در بخش مربوط به «فرهنگ، فراغت، رسانه‌های گروهی و تمرین‌های ورزشی» در نگاه نخست تصویری مثبت از سبب زمانی خانوارهای شهری ارائه می‌دهد. بر اساس این گزارش، هر شهروند شهری به‌طور متوسط در شبانه‌روز ۴ ساعت و یک دقیقه زمان آزاد در اختیار دارد؛ رقمی که برای مردان ۴ ساعت و ۱۵ دقیقه و برای زنان ۳ ساعت و ۴۸ دقیقه ثبت شده است. اما تحلیل دقیق‌تر این داده‌ها نشان می‌دهد که افزایش زمان آزاد الزاماً به معنای افزایش رفاه یا بهبود کیفیت زندگی نیست. بخش عمده این زمان آزاد نه صرف فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی یا توسعه فردی، بلکه صرف

سعیده شفیعی
روزنامه نگار

سعیده شفیعی
روزنامه نگار

یادداشت
N E W S



سید حمید حسینی

عضو اتاق بازرگانی ایران

روایت شامخ از اقتصاد جنگ

در اقتصاد، برخی شاخص‌ها پیش از آنکه آمار باشند، روایتگر حال و هوای بنگاه‌ها هستند. «شاخص مدیران خرید» (PMI) که در ایران با عنوان «شامخ» شناخته می‌شود، از همین دست شاخص‌هاست؛ معیاری پیش‌نگر که نبض تولید، تجارت و انتظارات فعالان اقتصادی را می‌سنجد. افت این شاخص، پیش از آنکه در گزارش‌های رشد اقتصادی یا نرخ اشتغال نمایان شود، از کاهش تحرک در کارخانه‌ها، سفارش‌های جدید و سرمایه‌گذاری خبر می‌دهد. از این منظر، نزول شامخ کل اقتصاد به ۳۸.۵ واحد و شامخ بخش صنعت به ۳۷.۱ واحد، تنها یک عدد نیست، بلکه نشانه‌ای روشن از فشار سنگینی است که نااطمینانی‌های ناشی از جنگ و اختلال در زنجیره‌های تأمین بر پیکره اقتصاد ایران وارد کرده است. با این حال، نباید این ارقام را جدا از شرایطی که اقتصاد کشور در آن قرار داشت، تحلیل کرد. بخشی از واحدهای تولیدی به دلیل ملاحظات امنیتی و الزامات پدافندی ناچار به توقف موقت فعالیت شدند و برخی دیگر نیز برای کاهش ریسک، موجودی انبار و حجم تولید خود را به حداقل رساندند. طبیعی است که چنین وضعیتی در شاخص‌های پیش‌نگر اقتصادی بازتاب یابد. با وجود این، تجربه هفته‌های پس از جنگ نشان داد که ساختار اجرایی کشور توانست خود را با شرایط جدید تطبیق دهد. واگذاری بخشی از اختیارات به استانداران، افزایش سرعت تصمیم‌گیری و کاهش برخی گره‌های بروکراتیک، امکان مدیریت سریع‌تر بحران را فراهم کرد و مانع از شکل‌گیری اختلال گسترده در تأمین نیازهای بازار شد.

عملکرد بخش خصوصی و مدیران صنعتی در روزهای بحرانی، یکی از نقاط قوت اقتصاد ایران بود. با وجود نگرانی‌ها، اغلب واحدهای تولیدی به فعالیت ادامه دادند و تنها صنایع پرریسک به‌طور موقت متوقف شدند. همین تداوم تولید و مسئولیت‌پذیری بنگاه‌ها باعث شد بازار داخلی، برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها، با کمبود گسترده کالا مواجه نشود. البته تجارت خارجی از این شرایط بی‌تأثیر نماند. محدودیت‌های حمل‌ونقل، اختلال در مسیرهای دریایی و افزایش هزینه‌های مبادلات، صادرات کشور را تحت فشار قرار داد و ارزش صادرات غیرنفتی را از حدود ۵۸ میلیارد دلار در سال پیش به نزدیک ۵۰ میلیارد دلار کاهش داد. اما حتی حفظ این سطح از صادرات در فضای جنگی و محدودیت‌های لجستیکی نیز نشان داد که ظرفیت تولید و صادرات ایران همچنان پابرجاست و بخش واقعی اقتصاد، برخلاف تصور برخی، از انعطاف قابل توجهی برخوردار است. تجربه سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ نیز نشان داد کاهش تنش‌های خارجی و ثبات در روابط بین‌المللی می‌تواند به مهار تورم، آرامش بازار ارز و رونق تولید منجر شود. اگر مذاکرات پیش‌رو به کاهش تحریم‌ها بینجامد، اقتصاد ایران با اتکا به ظرفیت تولید، نیروی انسانی متخصص و تجربه فعالان اقتصادی، این توان را دارد که آثار جنگ را در مدت کوتاهی جبران کرده و دوباره در مسیر رشد پایدار قرار گیرد.

خاموشی موتور اقتصاد در زمستان ۱۴۰۴

افت مصرف، کاهش سرمایه‌گذاری و محدود شدن واردات، سه ضلع بحرانی است که طبق گزارش مرکز آمار، اقتصاد ایران را در زمستان گذشته به انقباض کشاند

تولید کنندگان را نیز کوچک‌تر می‌کند. اگرچه هزینه‌های مصرفی دولت رشد ۱.۴ درصدی را تجربه کرده، اما این افزایش محدود نتوانسته کاهش گسترده تقاضای بخش خصوصی را جبران کند و در نتیجه، موتور مصرف داخلی همچنان با توان پایین به حرکت خود ادامه داده است.

سرمایه‌های بی‌پناه تولید

یکی از مهم‌ترین پیام‌های گزارش زمستان ۱۴۰۴، وضعیت نگران‌کننده سرمایه‌گذاری است. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات با کاهش ۷.۸ درصدی مواجه شده؛ رقمی که از کاهش تمایل یا توان بنگاه‌ها برای نوسازی خطوط تولید و توسعه ظرفیت‌های صنعتی حکایت دارد. استمرار چنین روندی به معنای فرسودگی تدریجی سرمایه‌های تولیدی و کاهش بهره‌وری در سال‌های آینده خواهد بود. در مقابل، سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان رشد ۳.۵ درصدی را تجربه کرده است. این تفاوت، نشانه تغییر جهت سرمایه‌ها از فعالیت‌های مولد به سمت دارایی‌هایی است که در شرایط تورمی نقش پناهگاه حفظ ارزش سرمایه را ایفا می‌کنند.

رکود در ارکان

بررسی جزئیات حساب‌های ملی نشان می‌دهد افت فعالیت اقتصادی تقریباً در اغلب بخش‌های اصلی اقتصاد مشاهد می‌شود. بر اساس داده‌های مرکز آمار، رشد محصول ناخالص داخلی بر مبنای ارزش افزوده، چه با احتساب نفت و چه بدون آن، به منفی ۲.۲ درصد رسیده و رشد اقتصادی بر پایه روش هزینه‌ای نیز منفی ۲.۶ درصد ثبت شده است؛ موضوعی که از کاهش هم‌زمان تولید و تقاضا حکایت دارد. در این میان، بخش‌های صنعت و خدمات بیشترین افت را تجربه کرده‌اند و عملکرد آن‌ها به مراتب ضعیف‌تر از بخش کشاورزی بوده است. کاهش فعالیت این دو بخش از آن جهت اهمیت دارد که سهم عمده‌ای در اشتغال و ارزش افزوده اقتصاد ایران دارند. افت تولید در صنایع و کاهش رونق خدمات، معمولاً نخستین نشانه‌های کند شدن چرخه اقتصادی و کاهش ظرفیت درآمدزایی بنگاه‌ها به شمار می‌رود. هم‌زمان، مصرف خانوارها نیز وارد مسیر نزولی شده است. کاهش ۴.۸ درصدی هزینه‌های مصرفی خصوصی، بیانگر افت محسوس قدرت خرید و محدود شدن تقاضای داخلی است. در چنین شرایطی خانوارها ناچار می‌شوند بخشی از هزینه‌های ضروری و غیرضروری خود را حذف یا به تعویق بیندازند؛ موضوعی که مستقیماً بازار

اقتصاد ایران در زمستان ۱۴۰۴، تصویری از هم‌زمانی دوروند نگران‌کننده را به نمایش گذاشت؛ از یک سو رشد اقتصادی منفی و از سوی دیگر تورمی که همچنان در سطوح بالای ۵۰ درصد باقی مانده است. گزارش تازه مرکز آمار ایران از حساب‌های ملی و شاخص‌های کلان، تنها مجموعه‌ای از ارقام اقتصادی نیست؛ بلکه روایتی از فشاری است که به تدریج بر تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت و معیشت خانوارها وارد شده است.

ثبت رشد اقتصادی منفی ۲.۲ درصدی، چه با احتساب نفت و چه بدون آن، در کنار تورم سالانه ۵۰.۶ درصدی، نشان می‌دهد اقتصاد کشور بیش از گذشته در وضعیت رکود تورمی گرفتار شده؛ وضعیتی که در آن نه موتور تولید توان حرکت دارد و نه سطح عمومی قیمت‌ها آرام می‌گیرد. افت هم‌زمان مصرف خصوصی، کاهش سرمایه‌گذاری در تجهیزات تولیدی و محدود شدن واردات کالاهای واسطه‌ای، از تضعیف تدریجی ظرفیت تولید حکایت دارد. این مجموعه شاخص‌ها هشدار روشن برای سیاست‌گذاران است؛ زیرا ادامه چنین روندی می‌تواند علاوه بر کاهش رشد اقتصادی، بر اشتغال، درآمد خانوارها و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری نیز اثرات بلندمدت بر جای بگذارد.